

# "مخالفتهای جزئی" بین دولتمردان همچنان ادامه دارد

بنی صدر در انتخابات مجلس شورای بمل کارش، همگامی گوشه‌هایی از گسترش جنگی خانگی دولتمردان برای بدرکردن حریفان میدان و فمضی فدوت بنفم خبث است.

جنگ ایران و عراق اگر چه در ظاهر و ببعصو برای بسج شده‌های تحمیق شده ( واینبار به خشم آمده ازگراشی و بیگاری و...) "وحدت کلمه" را لازم و ضروری میساخت، اما برای خرده‌بوروزواری و بوروزواری، آغاز تشدید جنگی بود تا هر کدام با مرادشتن گامی قواتر در جهست مارش مرفمیت خود را نسبت به حریف مستحکم نمایند.

سخنان حجت‌الاسلام رفسنجانی در مورد گرفتن لسواژم بدکی جنگی از آمریکا، گشودن دروازه ( و نه در) بسسروی "نیخان بزرگ" بود. چنین "میسمان نبت و دل بازی" جایز نیست که بیش از این در انتظار بماند آیم در این شرایط. سفر رجاشی به آمریکا مبین این مساله بود که آنکه طرف معامله است ما ( حزب جمهوری اسلامی) هستیم و نه آقای بنی صدر ملی گرا. اما گشودن دروازه به روی "شیطان بزرگ" در شرایطی که تا انتخابات رئیس‌جمهوری در آمریکا بیش از چش روز باقی نمانده، به معنای باز کردن در برآه رهایی "جاسوسان آمریکایی" نیز هست. و اینجاست کلمه حزب جمهوری پبرو خط امام و بخور کتن هیات‌حاکمه‌ای ایران دچار اسکال خواهد شد. جواب دادن به شونده‌هایی که تکمال تمام با حریبه "جاسوس" و جاسوخانه" به آیم در ر آن در کشیده شده‌اند کار آسانی نخواهد بود. با آنکه امام امت شرایط آزادی گروگانها را گفته و تصمیم نهایی را بعهده‌ی مجلس ( با اکثریت حزب جمهوری اسلامی قرار داد) است و سران حزب نیز "شرایط خوششان" که چیزی در حدود ادامه‌ی حواستهای آقای رفسنجانی خواهد بود را به شرایط امام که مورد قبول آمریکا نیز هست افزوده است، اما از عوافیابین آزادی سخت‌وحشت دارد و حق هم دارد. بسریب جهت‌نیت که همگان برای اجرای این امر خیر دنبال مغری میگردند تا بعدها گریبان‌شان در گرو نباشد. بدینهماد ارجای تصمیم نهایی به امام امت نیز در همین زمینه‌است. اما کیست که نداند که رهبر هم علیرفم موعضی "وحدت کلمه" به پیروان خود همیشه و در مواقع حساس جانب‌حزب جمهوری را تقویت کرده است.

و سبچاره جناب‌بنی صدر که هم از دست‌رفعیان و هم برای نزدیکی "و تقویت روحیه" همیالگهیابین در ارتسش "شعاعانه" به عزمت جبهه‌ی جنگ‌رمنه است. بسازرو دست خوردن از دیگر پیروان خط امام چاره‌ای ندارد تا از سبب نخست‌وزیر به آمریکا و مشکلات احتمالی بعدی کسه آزادی گروگانها یکی از آنها خواهد بود اظهار می‌اظهاری نماید. و اگر چه دلش برای چنین روزی غنچ مرفم اما سخت‌امید وار بود که خود کشا بدهد. "دروازه" و در حکم "ماحیخانه"

"اکیدا همه‌ی قنرهای ملت و ارگانهای دولتی موظف شرمی هستند که دست از مخالفتهای جزئی بردارند؟ اما وقتی پای منافع طبقاتی میان میآید اینگونه فتواهای زرسو" هم چاره‌سار نخواهد بود و "وحدت کلمه" بسرای دولتمردان چیزی جز حفظ قدرت به نفع کل مجموعه‌ی هیات حاکمه و بر علیه زمینگشان معنا نمیدهد. مگر آنجا کسه خاصی از هیات حاکمه از آن بعنوان حریبه‌ای در جنگ سلیماتی بر علیه جناح دیگر استناده نماید.

در شلتی برای دست‌یافتن هر چه بیشتر به اهرمهای قدرت، بناد صاحب‌های درون هیات حاکمه، از ابتدای بریدن به سرس قدرت، هر روز رست‌شازهای یافته است. استغذگ سازگان، نخصب وزیر رجاشی، پشت پا خوردن فارسی، رئیس جمهور شدن بنی صدر، "گوشمای" آیت، سقوط قطب‌زاده و... جنگی از جناح جنگی است که بین خرده‌بوروزواری مرفسه و بوروزواری "السمیرال" برای در دست‌گرفتن ارکان قدرت سیاسی کاکان ادامه دارد. و در این جنگ با بقول امام است "مخالفتهای جزئی" آنچه که محلی از اعراب ندارد" وظیفه‌ی شرمی" و "وحدت کلمه" است.

بنفادحناختی درون هیات حاکمه که پس از شکست‌سبیل مجلس، در انتخاب نخست‌وزیر نبلور یافته بود. با انتخاب رجاشی به نخست‌وزیری، تبدیل به کشمکشهای بی‌مدرورجاشی ( با دوری حزب جمهوری اسلامی) بر سو مسائل مختلف شد. بنی صدر در حالیکه رجاشی را شایسته‌ی کفالت‌آموزی و پسرورس هم بعهده‌اند او را به نخصب وزیر میبپذیرد. اما شکست‌سبیل ادامه شش بطور ناخوشی ممکن میشود و طرفس برای تسلط حریبه بیشتر بر ارکانتهای اجرایی هنوز هم در جدالند.

با آغاز جنگ ایران و عراق این جدال اسناد وسعتوری بر اسناد. جناح‌های درون هیات حاکمه، جنگ خانگی را شدت بخشیدند و اینبار به احد بکسر کردن کارها. چرا که هر میدانند این جنگ "جنگ سرنوتت‌ساز" است، و آنکه از این جنگ، بیروز بدر آید یعنی "مخالفتهای جزئی" را بدفع کند. پایان دهد "وایضن شرمی" را به پایان رسانده‌است.

بنفنامهای اخیر رجاشی مبینی بر اینکه "رابطه‌سببوزرگانیه با وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی باید از طریق نخست‌وزیری انجام شود"، غیر ماسرینی دراندن آن و اجرای آن که تا بحال تمام هیات وزیران انجام گرفته‌" از دست‌بنی صدر. پاسخ دفتر روابط عمومی و دفتر حقوقی نخست‌وزیر به اظهارات، "کارنامه‌ی بنی صدر، اعتراض بس صدر به سررجی ارکانتهای تحت‌مفم، حزب فراگسراز استورات وی و سفر نخست‌وزیر به آمریکا بدون اطلاع "رئیس‌جمهور منتخب مردم"، زده‌خورد طرفداران بنی صدر و حسرتب جبهه‌ی بر سر شماحب‌سهمی بیشتر در معنای جمهوری اسلامی و شمرادازی "ما مورین انتظامی" برای جلوگیری از ورود دیگر مبلغی اسلامی قائم مقام تنویزیون ( کاندیدسندای

باشد. و چنین است که جناب ایشان کاری به این ندارد که نخست وزیر "نا لایقش" در امریکا چه گلی بر سر "اصحبت مستضعفان" زده است و تنها اعتراضش این است که چرا رجایی بدون اجازه‌ی ایشان به "کعبه" مشرف شده است.

اما همانطور که گفتیم رهبران جمهوری اسلامی فائده‌ی "وحدت کلمه" را تا به آخر نتوانده‌اند و فراموش نکرده‌اند و نخواهند کرد که در سرکوب زحمتکشان، خلقهای به پسا خواسته و نیروهای انقلابی با هم متفقند و در سازشکاری "همه با هم" همه‌اشان برای سرکوب خلق کرد یا برای بگون کشیدن خرمشهر، ترکمن صحرا، نفده، برای حمله به نیروهای انقلابی و کمونیست، برای بستن دانشگاهها و برای انحلال شوراهای زحمتکشان و... جناحهای درون هیات حاکمه‌ته‌تنها با هم "وحدت کلمه" دارند بلکه برای انجام این امورخداسی بر یکدیگر نیز پیشی گرفته‌اند. و در این راه هم "وحدت کلمه" و هم "زهروی" زانیی شک از رهبر خوبیشی آموخته‌اند. چه جناب ایشان، از هم اکنون نیز بسهمرای "جبهای امریکایی" خط و نشان کشیده است و وعده "بعد از جنگ" داده است.